

درمیهن عزیزما افغانستان چه می گذرد؟

چگونگی ظرفیت ها و امکانات جنبش های اجتماعی در کشور
بحران مهاجرت در تاریخ معاصر بی نظیر پنداشته می شود

**باطل کردن بازی نیابتی پاکستان با کارت هند
گزارش نارضایتی از فشارهای امنیتی پاکستان
گسترش نفوذ در حیات خلوت روسیه و چین
سقوط افغانستان، نتیجه اشتباه اطلاعاتی**

رویدادها و تحولات در کشورهای مختلف هر کدام دارای پیامدهای گسترده، چند بُعدی و زنجیره ایی در سطح ملی و جهانی میباشند. این پیامدها بگونه کلی در چند حوزه اساسی قابل دسته بندی و بررسی دقیق هستند. درگیریها باعث خسارتهای فوری شده و میتواند اثرات مخربی بر توسعه بلند مدت اقتصادی داشته باشد. در بسیاری از کشورها، درگیریها موجب شده اند تا کشورهای درگیر، بیشتر از "مرز توسعه" فاصله بگیرند. منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، از جمله مناطقی بشمار می روند که بیشترین صدمه ها را از درگیری ها نصیب گردیده اند. جنگ های منطقه ای همزمان هستند، مانند جنگ خلیج که در امتداد سال ۱۹۹۰ که به شش دوره درگیری جداگانه در عراق منجر گردید. از دست دادن جان انسانها و اختلافات اجتماعی، اساساً غیر قابل اندازه گیری بوده و تأثیرات موج دار آنها بر جوامع و اقتصادها، بگونه ای عمیق و پایدار بوده و دارای تأثیرات فراتر از معیارهای اقتصادی میباشد. رنج و ویرانیهایی که بر زندگی انسان ها وارد میگردد، بهیچوجه قابل اندازه گیری و محاسبه نیستند. آینده جهان برای بسیاری از ما ناامید کننده و ترسناک بنظر می رسد. تغییرات اقلیمی، رشد جمعیت و کاهش منابع طبیعی مسلمان چالشهای بیشتری را در دهه های پیشرو برای ما به بار خواهد آورد. در چنین شرایط، خوشبینی بآینده جهان کمی دشوار بنظر میرسد. اما زمانی به پیشرفتهای اجتماعی و نوآوریها که در علم و تکنولوژی در حال رخ دادن است، فکر کنیم، تا حدودی بدبینی ما رفع میگردد.

قبل از طرح سایر مسایل مورد بحث، تذکر این مهم شایان توجه پنداشته می شود که بحران موجود و چگونگی وضعیت عمومی در سرزمین کشور عزیزما افغانستان، بویژه پس از بازگشت "طالب" ها بقدرت باید مورد ارزیابی و مطالعه موشگافانه قرار داده شود. عده ای، بویژه درباره بهبود وضعیت امنیتی در بیشترین محلات و مناطق کشور به بحث و مذاکره می پردازند. با وجود اینهمه، اما عده بیشمار دیگری از شهروندان کشور هنوز هم در مورد چگونگی تداوم و ادامه حیات حاکمیت کنونی در کشور شک و تردید دارند، چه، مسایلی چون محدودیت های دست و پاگیر در قبال حقوق و آزادی های بانوان کشور، بویژه در مورد آموزش، اشتغال و چگونگی سهمگیری آنها در زندگی عمومی و اینکه به چه معیاری، محدودیت ها و اقدامات یادشده، اصل تلاش ها بمنظور عادی سازی روابط و مناسبات با جهان خارج و دول کشورهای مختلف دنیا را بنحوی از انحاء دچار لنگش نموده است، مورد بررسی و مطالعه قرار داده شده است. در کنار اینهمه، بررسی روابط و مناسبات تشنج ز با پاکستان، بویژه در مورد اتهامات و اقامه دعوی اسلام آباد مبنی بر پناه دادن "طالب های پاکستانی" در سرزمین و اراضی متعلق به افغانستان و طرح برنامه های دهشت افگانه توسط آنها و بتشنج کشاندن امنیت آن کشور، از جمله مسایل و موارد قابل بحث در چگونگی روابط و مناسبات افغانستان با پاکستان مطرح بحث میباشد، اما در نهایت امر، در مورد چگونگی و نوع تعامل "طالب" ها با قدرت های منطقه ای و

ارتباط های پسین آنها با اروپا و از همه مهمتر اینکه کشور عزیزما تحت اداره حاکمیت کنونی بکجا می رود و چه سمت و سویی اختیاری می نماید، مسایل و مواردی تحت بحث و مطالعه قرار داده شده است.

با وجود اینهمه، روابط کابل - اسلام آباد که بیش از این بدلیل انجام حملات و تشدید اقدامات تروریستی شبه نظامیان "طالبان پاکستانی" به تیرگی انجامیده بود، پس از درگیری جنگجویان "طالب" ها در امتداد ماه میزان سال پاریه نقطه عطفی در مناسبات پرتشنج دو کشور مبدل گردید. جانب اسلام آباد مانند همیش، "طالب" ها در افغانستان را مسؤول آنهمه حوادث و درگیری های مسلحانه در سرزمین متعلق به پاکستان دانسته و همیش انگشت انتقادش را بسوی حاکمان افغانستان نشانه می گیرد، اما کابل نیز مانند همیش اظهارات اینچنینی اداره اسلام آباد را کذب محض دانسته و ادعا می ورزد که چگونگی عملکردهای "طالب های پاکستان" در اراضی متعلق به پاکستان، مشکل داخلی خود آن کشوری باشد. اما این مسأله قابل تأمل پنداشته می شود که اسلام آباد عزمش را جزم نموده، پا را فراتر از گلیمش برداشته و ادعا می نماید که اگر کابل بمنظور جلوگیری از فعالیت های شبه نظامیان "طالب های پاکستانی" که در اراضی متعلق به افغانستان مستقر می باشند، با اقدام جدی متوسل نگردد، مناطق مورد نظر در افغانستان مجدداً مورد حملات هوایی قوت های نظامی پاکستان قرار خواهد گرفت. با توجه به بن بست و عدم مؤفقیت مذاکرات و گفتگوهاییکه با پادرمیانی ترکیه و قطر در امتداد ماه عقرب سال پار صورت گرفت، حملات شورشیان، یکی پس از دیگری از قوه بفعل مبدل گردیده و تعداد بیشماری از شهروندان پاکستان بخاک و خون غلطیدند، تشنج و وسعت دامنه خصومت ها همچنان ادامه دارد.

در نبشته حاضر سعی بعمل آمده تا با تمرکز بر تجدید حیات شبه نظامیان در ایالت خیبر پختونخواه، این مسأله نیز بررسی گردد که تنش های اسلام آباد با کابل، تا چه حدی می تواند مانند ماه میزان سال ۱۴۰۵ خورشیدی، منجر به درگیری های مرگباری گردد. همچنان در لابلای نبشته حاضر، ضمن شناسایی راهها و وسایل کاهش تنش های دوجانبه، اثر بخشی سیاست های امنیت داخلی نیز ارزیابی گردیده و انجام اقداماتی بمنظور مقابله با ستیزه جویان توصیه گردیده است.

بخاطر ما باشد که روابط و مناسبات افغانستان - پاکستان، همیش فراز و فرودهایی را شاهد بوده است. روابط یادشده، با درگیری مرگبار ماه میزان سال پار، به پایین سطح رسیده است. درگیری با افزایش حملات شبه نظامیان اسلامگرا بمثابة مرگبارترین حملات در بیش از یک دهه پسین محسوب گردید. ایالت خیبر پختونخواه در پاکستان، بار عمده خشونت های شبه نظامیان را بدوش کشیده است. "تحریک طالب های پاکستان"، بمثابة مسؤول بخش اعظمی از خونریزی ها درین کشوری باشند. گروه یادشده در مناطق قبایلی آنسوی "خط دیورند" پایگاه قدرتی را بدست آورده بودند که از طریق ساختارهای سیاسی، حقوقی و اداری ناکارآمد و سرکوبگرانه ای که بدوران استعمار برمی گشت، از جانب اداره فدرال در اسلام آباد اداره می شدند. همزمان با اینکه قوت های نظامی پاکستان، در اواسط دهه ۱۳۷۹ خورشیدی، "تحریک طالب های پاکستان" را از مناطق قبایلی فدرال بیرون راندند، رهبران و هزاران جنگجوی گروه یادشده بسرزمین و اراضی متعلق به کشور عزیزما انتقال داده شده، در مناطق تحت اداره "طالب" ها، جابجا گردیده و در امتداد جنگ و درگیری های مسلحانه با نیروهای غربی بآنها پناه داده شد.

از زمانی که "طالب" ها در امتداد سال ۱۴۰۰ خورشیدی، مجدداً بقدرت دست یافتند، "تحریک طالب های پاکستان" تلاش ورزیدند تا در سراسر آنطرف "خط دیورند"، بویژه در مناطق قبایلی سابق که اسلام آباد در سال ۱۳۹۷ خورشیدی، آنرا به خیبر پختونخواه ملحق کرد، بازگردند. گروه یادشده مدعی گردید که با وسعت بخشیدن دامنه اختیارات و صلاحیت های قوه قضائیه فدرال مخالفت نمودند.

با وجود اینهمه، اسلام آباد، مقامات "طالب" ها را مسؤول افزایش عملکردهای شبه نظامیان در آنکشور پنداشته و سلسله مراتب آنها در کابل را متهم می نماید که با مساعد نمودن شرایط در اراضی متعلق به افغانستان، رهبران و جنگجویان "تحریک طالب های پاکستان" با استفاده از پناهگاههایشان در افغانستان بمنظور حمله بمناطق مورد نظرشان در پاکستان کاری می گیرند. با افزایش تلفات نظامیان و افراد و اشخاص ملکی در پاکستان، اسلام آباد، مقامات "طالب" ها در کابل را به خودداری از انجام اقدامات علیه "طالب های پاکستان" متهم می نمایند.

بسیاری از تحلیلگران چنین می پندارند که کشورهای افغانستان و پاکستان باید اختلافات شان را از طریق گفتگو و با میانجیگری کشورهای دوست حل و فصل نمایند، اما بعقیده عده ای از علاقمندان امور، بمنظور مقابله همه جانبه و مؤثر با شبه نظامیان موجود در خیبر پختونخواه در مجاورت "خط دیورند"، اداره اسلام آباد باید در چگونگی موضعگیری و عملکردهایش تجدید نظر نموده و با ساکنان و باشندهای محلی، بویژه در مورد چگونگی ستراتیژی

ضد شورش، بحث و مشوره نماید.

اقدامات مسلحانه و انجام حملات تروریستی، بویژه در مناطقی در آنسوی "خط دیورند" در شرف وسعت و گسترش بوده و بیشترین تعداد افراد ملکی، پولیس و منسوبان نظامی پاکستان را از زندگی ساقط نموده است. "تحریک طالب های پا کستان" و شبه نظامیان وابسته بآنها، از جمله مسؤولان سر هم بندی اقدامات یادشده و تشنج اوضاع در منطقه پنداشته می شوند.

اسلام آباد، کابل و "طالب" ها را در زمینه پرهیز از انجام اقدامات بازدارنده در قبال شبه نظامیان مستقر در سرزمین کشور ما، مقصر می پندارد. کشورهای دوست و بویژه کشورهای منطقه، باید به از سرگیری گفتگو ها سعی بعمل آورده و مهمتر از همه اینکه باید اسلام آباد با از سرگیری و تداوم تجارت به کاهش فشار های اقتصادی بر شهروندان کشور ما متوسل گردد. اسلام آباد همچنان ادعا می ورزد که اصل روابط و مناسبات گرم "طالب" ها با هند سبب می گردد تا همدستی و مشارکت آنها با همدیگر، علیه منافع حیاتی پاکستان سیر نماید. اما "طالب" ها چنین می پندارند که تنها این پاکستان است که مسوولیت مهار و جلوگیری از عملکردها و اقدامات "طالب های پاکستانی" در سرزمین آن کشور را بر عهده دارد.

با لبریز شدن صبر پاکستان، اداره اسلام آباد، از دیپلوماسی با استفاده از زور و اعمال قوه قهریه در قبال وضعیت متوسل گردید. در امتداد ماه میزان سال پار، با بکارگیری از نیرو های مسلح، دهها تن از شبه نظامیان پاکستانی در خیبر پختونخواه را از پا در آورد. همچنان، درگیری هایی بین نظامیان پاکستانی و افغان، پس از مدتی فروکش نموده و کابل و اسلام آباد در جریان مذاکرات و گفتگو هایی که با حمایت ترکیه و قطر برگزار گردید، بآتش بس توافق نمودند. با وجود آنکه آتش بس همچنان پابرجا بود، اما مذاکرات و گفتگو ها از ماه دلو سال پار بدینسو متوقف گردیده و هیچگونه اجماعی در مورد چگونگی سیر حوادث پیشرو، اصلن موجود نمی باشد. اما با تداوم حملات شبه نظامیان، اسلام آباد تهدید نموده و با دیده درایی هشدار میدهد که حق حمله و اجرای عملیات مسلحانه در آنسوی "خط دیورند" را برای آن کشور محفوظ نگه میدارد.

اسلام آباد سعی ورزیده تا با استفاده و بکارگیری از راها و وسایل دیگری بر کابل فشار وارد نماید، کاز جمله می توان از بستن راهای ارتباطی کشور ما با پاکستان و جلوگیری از تجارت دوجانبه و تحریم های اقتصادی را نامبرد. همچنان نوع و چگونگی برخوردش را در قبال شهروندان کشور ما که در پاکستان اقامت دارند، تشدید نموده و صدها هزار تن از پناهنده ها و آسیب پذیرترین افراد، از جمله بانوان و دختران، روزنامه نگار ها و مدافعان حقوق بشر را از آن کشور اخراج نمود.

قوت های نظامی پاکستان، رهبری مبارزه با شبه نظامیانی را که از نقطه نظر تسلیحات و تجهیزات حربی در مقایسه با نیرو های پولیس منطقه در موقعیت برتری قرار دارند، بر عهده گرفته است. اما نباید فراموش نمود که تفاهم و هما هنگی محدود و اندکی بین قوتهای اردو و پولیس، از یکجانب، اصل کارزار ضد شورش را تضعیف نموده و از جانب دیگر، جناح بندی های سیاسی نیز در نوع خود، موانع بیشتری در مسیر یادشده ایجاد می نمایند. عمران خان، رهبر حزب مسؤل حاکمیت در خیبر پختونخواه در زندان بسر می برد، حزب عمران خان معتقد است که قوت های مسلح کشور باید از همکاری با تلاش ها و اقدامات کارزار ضد شورش ابا ورزند.

در وضعیت و شرایط اینچنینی، اسلام آباد را خطر از دست دادن اذهان و قلوب شهروندان پاکستانی تهدید می نماید. احزاب سیاسی موجود در خیبر پختونخواه بر ضرورت مبارزه با شبه نظامیان توافق نظر دارند، اما چنین می پندارند که عملکردهای سختگیرانه قوتهای مسلح پاکستان، بگونه جدی باصل رفاه شهروندان آن کشور آسیب جبران ناپذیری وارد نموده است. اهالی بومی ایالت یادشده، از عجز و ناتوانی دولت مرکزی در امر محافظت و نگهداری شان، بویژه در قبال تحرکات "تحریک طالب های پاکستان"، بر آشفته و خشمگین می باشند. در کنار اینهمه، از امر تخلیه هایی که سبب آوارگی گسترده ساکنان محل گردیده و در مجموع، زندگی و معیشت آنها را متأثر می نماید، رنج می برند. درین میان، بانوان بیش از سایرین، آسیب پذیر می باشند.

با توجه با اقدامات و چگونگی عملکردهای کنونی، گزینه مؤثری بمنظور مقابله با ظهور مجدد شبه نظامیان اصلن موجود نمی باشد. اما مقامات می توانند با مساعد نمودن شرایط و بهتر شدن مناسبات و همکاری بین قوت های مسلح و سازمانهای اجرای قانون در ایالت خیبر پختونخواه و همچنین بین دولت فدرال و حاکمیت های ایالتی را فراهم نمایند. بمنظور اطمینان از حمایت های محلی، قوت های دولتی، بویژه هنگام اجرای عملیات ضد شورش، باید نگرانی های باشند های محل و بویژه نگرانی های بانوان و دختران در مناطق و محلات یادشده را در نظر بگیرند.

بمثنایه جمع‌بندی و نتیجه‌گیری تذکر بعمل می‌آید که در مجموع بحث ملی، اصل درک و شناخت ستیزه‌جویی، بویژه در پاکستان، عمدتاً احزاب بزرگ ائتلاف حاکم در آنکشوری یعنی حزب مسلم لیگ نواز و حزب مردم پاکستان، تاحدودی در قبال "طالب" ها و شکل‌گیری شبه نظامیگری در آنکشور اتفاق نظر دارند، اما حزب مسلم لیگ نواز از عملیات‌های ضد شورش برهبری نظامیان کشورش دفاع می‌نماید. همچنان، عده‌ای در پاکستان، اصل شکل‌گیری و پیدایش ستیزه‌جویان را نتیجه توافق صلح ناموفق دولت سابق برهبری "تحریک انصاف پاکستان" با "تحریک طالب‌های پاکستان" در سال ۱۴۰۱ خورشیدی و رهایی ده‌ها شبه نظامی "تحریک طالب‌های پاکستان" از زندان‌های آنکشور و اجازه بازگشت صدها جنگجوی مسلح دیگر از افغانستان مرتبط می‌دانند. اما نباید فراموش نمود که معضل و مشکل بزرگتری در پیشرو قرار دارد و آن اینکه کاهش اصطکاک و ضد و نقیض‌گویی‌ها بین اسلام‌آباد و کابل، در نتیجه سبب جلوگیری از درگیری‌های مرگبار در امتداد "خط دیورند" بین دو کشور خواهد گردید. اما اداره اسلام‌آباد از چگونگی عملکردها و اقدامات دهشت افگنانه "طالب‌های پاکستانی" بخود می‌پیچد و خواهان آنست تا کابل، اصل نظارت نقاط و گذرگاه‌های موجود عبور و مرور بین دو کشور را بمنظور مهار حملات شبه نظامیان یادشده بدقت نظارت نماید. اداره اسلام‌آباد، بنوبه خود، بعوض تداوم تاکتیک فشار و تهدید در قبال کابل که دست‌آوردهای اندکی بدنبال داشته است، باید ممنوعیت تجارت دوجانبه را که بویژه باقتصاد ایالت خیبرپشتونخواه ضربات عمده‌ای وارد نموده و درآمد بازرگان‌ها، انتقال دهنده‌ها و افراد و اشخاص شاغل در زمینه را بگونه یکسانی کاهش داده، لغو نماید. به یقین کاز سرگیری تجارت و بدهستان‌ها برفع همه خواهد بود، چه، از یکجانب مناسبات بین دو کشور مجدداً رنگ دیگری گرفته و قبل از همه و بویژه برای آنهایی که به تجارت اینچنینی وابسته می‌باشند، نیز کمک شایانی خواهد نمود.

از جانب دیگر، دنبال نمودن رویکرد دقیق و سنجیده، در قبال پناهنده‌های افغان، در کنار موارد دیگر، برفع پاکستان نیز می‌باشد، چه، رویکرد و موضع‌گیری‌های کنونی، از یکطرف باحساسات ضد پاکستانی در کشور ما دامن زده و از طرف دیگر، به تقویت امنیت ملی، اصلن ممد واقع نمی‌گردد. در شرایط و وضعیت سیاسی موجود، احتمال از سرگیری گفتگوها، آنهم در سطح بالا بین کابل و اسلام‌آباد اندک بوده و اما بخاطر ما باشد کاین واقعیت باثبات رسیده است که درگیری‌ها و بکارگیری از اقدامات مسلحانه، اصلن بمثنایه راه حل پنداشته نمی‌شود. در عوض، بامیانجیگری کشورهای دوست افغانستان مانند قطر، ترکیه و عربستان، حاضر شدن در میز مذاکره، طرف‌های درگیر کم‌کم خواهند توانست با در نظر داشت خطوط قرمزشان، به مذاکرات و گفتگوها تداوم بخشند که مستلزم صبر و شکیبایی بی‌هر دو جانب خواهد بود.

بخاطر باید داشت که گزینه جایگزین در زمینه، از سرگیری درگیری‌های مسلحانه است که در نوع خود، بدترین و زشت‌ترین گزینه خواهد بود.

یکشنبه ۲۸ ماه سرطان سال ۱۴۰۵ خورشیدی، برابر با ۱۹ ماه جولای سال ۲۰۲۶ ترسایی